

زیبایی‌شناسی و خلاقیت در مکتب «پست مدرنیسم» با تأکید بر الگوی مونتاژ در هنر معاصر

ایران

چکیده

معماری پست مدرن مرز روشنی میان هنر و جامعه‌شناسی نمی‌شناسد. بنا بر اندیشه‌ی «فرهنگ جهانی» که با تولید روزافزون دانش و تکنولوژی همراه است، فاصله‌ی میان تجدد و سنت در گفتمان‌های آفرینش هنری دیگر چالشی بر سر راه خلاقیت نیست و بهره‌گیری از پارادایم تکثرگرایی و عدم قطعیت، اجتماع واژگان غیرهمسان را در فرهنگی مونتاژگونه ممکن می‌سازد. این پژوهش سعی دارد به درک الگوی مونتاژهای هنری و رابطه انکارناپذیر آن با هویت و سنت در جامعه ایرانی بپردازد. این الگوها، علی‌رغم اندیشه‌های نوجوانانه، به گفتمان‌های دیرپای ملی و مذهبی نیز وابسته هستند و مسئله‌ی جایگاه خلاقیت هنری پست مدرن را با حفظ رهیافت‌های غرب و هویت ملی در هنر معاصر ایران طرح کرده‌اند. پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیلی-توصیفی است که داده‌های آن با شیوه سندکاوی جمع‌آوری شده و یافته‌های آن به روش تحلیل مضمون در روابط میان انگاشته‌ای اصلی، وابسته و واسطه مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تغییرات سریع امکانات جدید، فرصت پذیرش آراء متناقض با هویت ملی را برای مخاطبان نشان کم می‌کند. چرا که از نشانه‌های جهانی جامعه‌ی پست مدرن، تولید و مصرف بی‌امان نشانه‌های فرهنگی است؛ نشانه‌هایی که روایات چندوجهی را پیش می‌کشند. در نتیجه بنا بر مسوولیت اخلاقی هنر پست مدرنیستی، با حفظ گفتمان‌های رایج محلی، می‌توان مفاهیم هنری معاصر را با الگوی مونتاژ، به شیوه‌ای خلاقانه بیان کرد تا مانند کالای پست مدرنیستی به اشاعه‌ی فرهنگ جهانی بپردازد.

اهداف پژوهش:

1. بررسی جایگاه خلاقیت پست مدرنیستی در هنر معاصر ایران.
2. درک و تفسیر الگوهای تلفیق و مونتاژ در تصاویر هنری و رابطه انکارناپذیر آن با هویت و سنت در جامعه ایرانی.

سؤالات پژوهش:

1. آیا الگوهای واگرایانه مونتاژ قادر به ارائه‌ی راه‌حلی برای ورود به بستر خلاقانه‌ی زیبایی‌شناسی پست مدرن در هنر معاصر ایران است؟
2. مضامین کلیدی مشترک میان انگاشته‌های اصلی (جامعه‌شناسی پست مدرن) وابسته (خلاقیت هنری) واسطه (الگوی مونتاژ در هنر معاصر ایران) کدام است؟

واژگان کلیدی : الگوی مونتاژ، تکثرگرایی، مکتب پست مدرن، زیبایی‌شناسی پست مدرن.

خلاقیت و زیبایی‌شناسی در اثر هنری پست‌مدرن در مسیر افول از منش خودکیشانه‌ی فردی آن و رسیدن به شأنی گفتمانی، معیارها و مفاهیم شالوده‌شکنانه‌ای را دنبال می‌کند و با پیکره‌ای فرهنگی متشکل از عناصر سرخوشانه و متناقض، مفاهیم سنتی را با اقتباس و تلفیق میراث گذشته، در ساحتی جدید خلق می‌کند. بنا به خاصیت گفتمانی فضای پست‌مدرنیستی، معنای آثار هنری در نگاهی بافتاری و در بازی زبانی به دست می‌آید. بازی‌ای که موجب انحلال متون در یکدیگر می‌شود. بنابراین اهمیت خرده‌روایت‌ها در جهت خلق زیبایی‌شناسانه‌ی آثار هنری پست‌مدرن به‌نوعی التقاط مونتاژگونه‌ی شکل بیان هنری و انتقال مفاهیم متکثر اجتماعی و فرهنگی را می‌طلبد. از آنجایی که در بحث از جامعه‌شناسی پست‌مدرن، مرز میان ارزش‌های زیبایی‌شناسانه و اخلاقی وجود ندارد، آثار هنری این دوران در ارتباط با فرهنگ پست‌مدرنیستی تولید می‌شوند. اما بنا به رویکرد ویژه‌ی پژوهش حاضر مبنی بر بررسی جایگاه خلاقیت پست‌مدرنیستی در هنر معاصر ایران و با توجه به اینکه ایران کشوری با دغدغه‌ی حفظ میراث اصیل خود است و نگاهی به‌سوی جریان‌های غالب جهانی دارد، به نظر می‌رسد الگوهای تلفیق و مونتاژ در تصاویر هنری، می‌تواند راه‌حل مناسبی برای فهم و تفسیر زبان هنری پست‌مدرن در ایران به شمار برود. این الگوهای مونتاژ به کمک تکنیک‌های آنالوگ و دیجیتال در عکاسی و تصویرگری به ارائه‌ی فضا سازی‌های چندحیثیتی و نو از دل گذشته‌ی فرهنگی پرداخته‌اند. در این پژوهش، با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، واکاوی منابع اطلاعاتی رده‌بندی شده بررسی خواهد شد. این اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی به شیوه‌ی سندکاوی جمع‌آوری شده‌اند. اما به دلیل کیفی و ادراکی بودن، از جامعه‌ی آماری به دست نیامده است، بلکه از اشباع نظری متون حاصل شده و به دلیل انگاشت‌های علی و غیرکمی پژوهش، نمونه‌گیری صورت نگرفته است. در ادامه، با روش تحلیل مضمون، الگوهای کیفی موجود در کدهای زبانی مندرج در هر کدام از انگاشت‌های اصلی (جامعه‌شناسی پست‌مدرن)، وابسته (خلاقیت هنری) و واسطه‌ای (الگوی مونتاژ در هنر معاصر ایران) تفسیر خواهند شد تا بتوان مضامین کلیدی مشترک میان آن‌ها را بر اساس هدف و سؤالات پژوهش، تحلیل و بررسی کرد و یافته‌های مؤثری در خصوص این پژوهش به دست آورد.

در باب سوابق مطالعاتی مسائل مربوط به مباحث زیبایی‌شناسی، خلاقیت و جایگاه چالش‌برانگیز آن بر اساس مؤلفه‌های پست‌مدرنیسم، در منابع مختلفی سخن به میان آمده است. در کتاب جیمسون (۱۳۹۱)، «پسامدرنیسم و جامعه‌ی مصرفی»، این مسئله را توضیح می‌دهد که مدرنیسم کلاسیک چیزی مربوط به گذشته است که پسامدرنیسم جایگزین آن شده و آنچه موجب آن می‌شود، مرگ مؤلف است. در نهایت، این بحث معضلی زیبایی‌شناختی را در بردارد و ساختارهای منحصر به فرد تجربه و ایدئولوژی را زیر سؤال برده است. همچنین به مباحثی مانند تفکر ریزوم، روایتبخشی مجدد که در اثر قلمروزدایی در آبرفضای پست‌مدرن شکل گرفته است و نیز به مفاهیم دیگری چون کلیت در فضای پست‌مدرن، پایان تاریخ و گم‌گشتی سوژه اشاره شده است. علاوه بر آن، در منابع دیگر چون «صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیسم: در بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی» تألیف نوذری (۱۳۸۵)، به صورت‌بندی مفاهیم کلی در دو حوزه‌ی مدرن و پست‌مدرن پرداخته شده است. در کتاب دیگری از همین نویسنده به نام «پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم: تعاریف، نظریه‌ها، کاربردها» و در کتاب «افسون‌زدگی جدید؛ هویت چهل‌تکه و تفکر-سیار» اثر شایگان (۱۳۹۳)، به اطلاعات دست‌اول در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و هنر و فلسفه اشاره شده است و

علاوه بر آن، مشکلات جوامع بشری در عصر فرامدرن تحت دستمایه‌ی افسون‌زدگی، بیان گردیده که در ارتباطات مدرن دچار افسون جدید می‌شوند و نویسنده، آسیب‌های انسانی را درمان‌شناسی می‌کند و از روش‌های شالوده‌شکنانه بهره می‌برد تا هویت‌های چندگانه را در یک فضای بینامتنی مطرح نماید. در نگاه دیگر، تابعی (۱۳۹۴) در کتاب «رابطه‌ی ایده‌ی پسامدرن و عدم تعین» معتقد است با توجه به تنوع موجود در محصولات هنری قرن بیستم، می‌توان با بحران مشروعیت در دیدگاه فلسفه‌ی دوران، همساز و هم‌نوا شد و عدم تعین با تنوع‌گرایی در تعریف و تبیین‌های ماهیت شناختی را عمده‌ترین جنبه‌ی مشترک آن‌ها قلمداد کرد. همچنین هاروی (۱۳۹۳) در کتاب «وضعیت پسامدرنیته (تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی)»، به گذار از مدرنیته به پسامدرنیته در فرهنگ معاصر و همچنین به دگرگونی سیاسی-اقتصادی در سرمایه‌داری اواخر قرن بیستم و تجربه‌ی فضا و زمان در این وضعیت می‌پردازد. در رابطه با جامعه‌ی معاصر ایران، رفیع‌پور (۱۳۸۴) در کتاب «توسعه و تضاد»، به معضل تضاد میان انگاره‌ی پیشرفت در غرب با پیامد متفاوت آن در ایران پرداخته است. در ادامه در باب ماهیت تصاویر فتومونتاژ که محصولی از التقاط تکنولوژی و هنر در دوران معاصر است، در منابع متفاوتی از جمله کتاب و مقالات به جایگاه فتومونتاژ به لحاظ تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ساختارهای روان‌شناختی پرداخته شده است. به‌عنوان مثال در مقاله‌ی «فتومونتاژ و استراتژی‌های چندگانگی هم‌نشینی تکنولوژی و هنر» نوشته‌ی مقیم‌نژاد (۱۳۸۴)، و «عکس؛ خاستگاه مدرنیسم «فتومونتاژ»، خاستگاه دوران معاصر» تألیف کمالی دولت‌آبادی (۱۳۹۱)، به مباحث بالا اشاره شده است. در پژوهش حاضر ضمن بهره‌بردن از منابع موجود، نگاهی جدید در عرصه‌ی خلاقیت و زیبایی‌شناسی، به‌عنوان الگویی برای شناخت فضای جامعه و فرهنگ حاکم در جامعه‌ی معاصر ایران بررسی خواهد شد.

نتیجه‌گیری

پست‌مدرنیسم در باب زیبایی‌شناسی با مفهوم ضد‌هنر و ضد‌نخبه‌گرایی و روابط گفتمان‌محور سروکار دارد. بنا بر تکرار حاصل از این فرآیند، فهم سوژه‌ی زیبایی‌شناسی، در روند خلاقیت هنری پست‌مدرن، مداخله‌ای نداشته و در عوض با نفی استقلال زیبایی‌شناسی مؤلف در ارتباط بوده و بر اساس مفاهیم التقاط‌گرایانه و گذرا، از سوی دلالت‌های صریح و روایت‌های کلان به خرده‌روایت‌ها بازتعریف و در تصاویر مونتاژگونه، کشیده شده است. اما فرایند خلاقیت به‌مثابه‌ی آفرینش هنری در رویه‌ی پست‌مدرنیستی، نقش هنرمند را به‌عنوان واسطی می‌داند که با بهره‌گیری از تقلید هزلی و همچنین تقلید سبکی بر اساس شیوه‌ی اقتباس هنری، به بازتولید سبکی از دل منابع پیشین می‌پردازد. بنابراین، رها از انگیزه‌ی ابداع و نوآوری، با اندیشه‌ی بهره‌گیری از شیوه‌های پیشین و با تلفیق آن‌ها در یک آبرفضا، توانسته به یک فراسبک دست یابد تا به تبع این امر بتواند، جهانی نامتجانس را در آمیزش و اختلاط جنبش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، وارد جهان مؤلف کند و بر احساسات وی در فرآیند آفرینندگی پیشی بگیرد. بر این اساس وانمودهای تخیلی، نشانه‌هایی از جهان مجازی را با پارادایم عدم قطعیت در تصاویر دستکاری‌شده فتومونتاژ به زبان هنر تصویر می‌کند. به‌این ترتیب چنین تصاویری مصداق بارزی است از تجسم فهم انسانی از کالایی فرهنگی که در روند دریافت شدن خود توسط مصرف‌کنندگان (مخاطبان)، باز ترکیب می‌شود و بر اساس روایات چندوجهی در الگویی مونتاژگونه با روش‌های اوهم‌آمیز یا بر پایه‌ی ایدئولوژی فرهنگی، مورد تفسیرهای متعدد قرار می‌گیرد. در نهایت به دلیل فقدان مفهوم نبوغ صرف در خلاقیت آفرینش چنین تصاویری، الگویی از ابتدال، سردرگمی و تنوع، بر اساس نظام اخلاقی حاکم موج

می‌زند. اما در باب رهیافت‌های داده‌های ابتدای بحث، برای بررسی جریان هنر معاصر ایران، از مؤلفه‌های جامعه‌شناسانه نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. این مسئله خود کلید فهم پست‌مدرن از چنین هنری را ممکن می‌سازد؛ زیرا نخبه‌گرایی و خلاقیت فردی در تأثیر از آنچه گفتمان‌های غربی بر هنر معاصر ایران وارد کرده‌اند، به کنار رفته است و تحت تأثیر پارادایم عدم‌قطعیت و مؤلفه‌های مجذوب‌کننده‌ی آن در جامعه‌ی مصرفی، هنر را از جایگاه عالی آن به درون توده‌ی مردم می‌کشاند. هنرمندان ایرانی به‌خصوص آن‌ها که در داخل مرزهای ایران به فعالیت هنری می‌پردازند، برای رسیدن به یک رویکرد جهانی در زبان بیان آثارشان سرمشق‌های مردم‌گرایانه‌ی شیوه‌های غربی، از جمله هنر پاپ و امکانات متنوع و نوین اجرایی در هنرهای مفهومی را جدی گرفته‌اند تا به سمت تجددگرایی و جذابیت‌های نمایشی آن حرکت کنند. اما به‌طور قطع، به دلیل تعلقات ذهنی هنرمند و مخاطبان آثار نسبت به ارزش‌های مطرح در گفتمان‌های مذهبی و قومیتی و همچنین بسترهایی که در آن‌ها زیست کرده‌اند، پارادوکسی اساسی در سیر هنر معاصر از منظر مفاهیم جامعه‌شناسانه بر سر راه ارزش‌های جهان‌شمول آن قرار خواهد گرفت؛ زیرا بین مفاهیمی چون هویت و اصالت ایرانی و عدم‌قطعیت گفتمان‌های پست‌مدرنیستی، تضادهای انکارناپذیری مشاهده می‌شود. در نتیجه آسیب‌شناسی ساخت‌های هنری معاصر ایران امری ضروری به شمار می‌آید و لازم است مطالعات جدی‌تری در مورد آن صورت پذیرد. چرا که ممکن است به لحاظ کیفی دچار ابتذال یا تقلیدهای کورکورانه از اسلوب غربی شود اما در رویه‌ی مثبت این تحولات هنری که در جریان‌های معاصر انکارناپذیر است، آثاری می‌توانند خلق شوند که هم نماینده‌ای از اصالت و تجلی سنت و هویت ایرانی در سطوحی جهانی باشند و هم ضمن بهره‌گیری از خاصیت‌هایی که هنر مونتاژ در ایجاد الگویی از تضادهای آشتی‌ناپذیر به وجود می‌آورد، در سطح گفتمان‌های متداول جهانی نیز حرفی برای گفتن داشته باشند. بنابراین گذر زمان و آماده‌سازی عمیق اذهان ایرانی به مدد امکانات جهانی شدن و تبیین الگوهای در هنر و جامعه‌شناسی از جنس مونتاژ که قابلیت جاننشینی و هم‌نشینی عناصر گوناگون را با تلفیق و دستکاری و اقتباس نوآورانه به وجود می‌آورند، بدون ایجاد خط فاصله و تقلیدهای کورکورانه به هنرمند ایرانی این امکان را خواهد داد تا بدون هراس از غرب‌زدگی، در پی اشاعه‌ی فرهنگ جهانی باشد.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۸). حقیقت و زیبایی، چاپ هفدهم، تهران: نشر مرکز.
- افشار مهاجر، کامران (۱۳۸۴). هنرمند ایرانی و مدرنیسم چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- بال، استیفن (۱۳۹۳). زیباشناسی عکاسی، مترجم: محمدرضا شریف‌زاده، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی.
- تابعی، احمد (۱۳۹۴). رابطه میان ایده پسامدرن و عدم‌تعیین: مطالعه‌ی تطبیقی فلسفه و هنر غرب، چاپ سوم، تهران: نشر نی.
- جیمسون، فردریک (۱۳۹۱). پسامدرنیسم و جامعه مصرفی، مترجم: وحید ولی‌زاده، چاپ اول، تهران: نشر پژواک.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۴). توسعه و تضاد، چاپ دهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- سانتاک، سوزان (۱۳۹۰). درباره عکاسی، مجید اخگر، چاپ اول، تهران: انتشارات حرفه و هنرمند.
- شایگان، داریوش (۱۳۹۳). افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار، مترجم: فاطمه ولیانی، چاپ هفتم، تهران: نشر فرزانه روز.
- ضیمران، محمد (۱۳۹۳). مبانی نقد و نظر در هنر، چاپ اول، تهران: نشر نقش جهان.
- طهماسب پور، علی‌رضا (۱۳۸۷). ناصرالدین‌شاه عکاس، چاپ دوم، تهران: نشر تاریخ ایران.
- قیدرلو، حوریه (۱۳۹۴). «به‌کارگیری فتومونتاژ در پوستره‌های ایرانی بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
- کشمیرشکن، حمید (۱۳۹۴). هنر معاصر ایران، چاپ اول، تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی و چاپ و نشر نظر.
- گات، بریس؛ مک آیورلوپس، دومینیک (۱۳۹۱). دانشنامه زیباشناسی، ترجمه: جمعی از مترجمان، چاپ پنجم، تهران: فرهنگستان هنر.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۸۵). صورت‌بندی مدرنیته و پست‌مدرنیته بسترهای تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی، چاپ دوم، تهران: نشر نقش جهان.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۹۲). پست‌مدرنیته و پست‌مدرنیسم تعاریف، نظریه‌ها و مکاتب، چاپ چهارم، تهران: نقش جهان.
- هاروی، دیوید (۱۳۹۳). وضعیت پست‌مدرنیته: تحقیق در خاستگاه‌های تحول فرهنگی، چاپ دوم، تهران: پژوهش‌ها.
- خمر، غلامحسین، جدیدالاسلامی، حبیب و سالاری، مصطفی (۱۳۹۸)، «بررسی مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی آثار هنر اسلامی بر اساس نظرات عرفانی ملامحسن فیض کاشانی و آبراهام مزلو»، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۸: ۱۶۶-۲۰۳.
- عرب‌بیگی، ابوالفضل (۱۳۹۵). «پست‌مدرنیسم پایان بحران؛ نگاهی به هنر معاصر ایران از منظر جامعه‌شناسی»، کنفرانس بین‌المللی علوم و تکنولوژی، اسپانیا-بارسلون.
- علیزاده اسکویی، پیمان، بنیاردلان، اسماعیل، افشار مهاجر، کامران، شریفزاده، محمدرضا و صافیان، محمدجواد (۱۳۹۸)، «مطالعه تطبیقی ارتباط امر والای کانت با نقاشی‌های مرتبط با تصاویر حضرت مریم و مسیح در دوران بیزانس و گوتیک»، مطالعات هنر اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۸، صص ۴۹-۶۹.
- کمالی دولت‌آبادی، رسول (۱۳۹۱) «عکس؛ خاستگاه مدرنیسم فتومونتاژ؛ خاستگاه دوران معاصر»، نشریه جامعه، فرهنگ، رسانه، سال دوم (۵)، ۸۶-۷۱.
- گلشیری، سیاوش (۱۳۸۴). «پست‌مدرنیسم در ادبیات داستانی معاصر ایران»، پژوهش‌های ادبی، شماره ۸.

محمدی، آرام (۱۳۹۱). «تصویر به‌عنوان موضوع عکاسی معاصر ایران»، گلستانه، شماره ۱۲۰.

مقیم‌نژاد، سیدمهدی (۱۳۸۴). «فتومونتاژ و استراتژی‌های چندگانگی هم‌نشینی تکنولوژی و هنر»، کتاب ماه هنر، آذر و دی (۸۷-۸۸). ۴۲-۵۲.

Ades, Dawn, 1986. Photomontage, USA, Thames and Hudson, Rev Enl su edition.

Stamp, Samantha (2013), "Culture, Identity, and Modernity in Contemporary Iranian Potography", McNair Scholars Journal: Vol 17: Iss 1, Article 17.